



اسرائیل از طریق عملیات تهاجمی خود نشان داده است که نفوذ اطلاعاتی اش در ایران چقدر گسترده است. حال با این سطح از توان نفوذ، اگر این اطلاعات ناچیزی که در مورد تصمیم فرضی ایران برای ساخت سلاح هسته‌ای ارائه داده است، بهترین اطلاعاتی است که می‌تواند ارائه دهد، این اطلاعات ناچیز خود گواه این است که ایران چنین تصمیمی نگرفته است.

بنیاهین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل، بیش از سه دهه است که می‌گوید ایران در آستانه ساخت سلاح هسته‌ای است. حتی یک ساعت خراب هم حداقل هر روز دوبار درست کار می‌کند، اما باور کردن حرف‌های نتانیا‌هو در مورد مسئله هسته‌ای ایران، نادیده گرفتن این است که او چقدر اشتباه کرده است. همچنین با توجه به هدف اصلی اسرائیل برای درگیر کردن ایالات متحده در جنگ علیه ایران، این موضوع نادیده گرفته می‌شود که هرگونه افشای اطلاعاتی اسرائیل در مورد این موضوع چقدر بی‌اساس خواهد بود.

می‌توان با اطمینان فرض کرد که هر اطلاعاتی که اسرائیل ارائه می‌دهد، بخش کوچکی از اطلاعاتی است که در این مورد جمع‌آوری کرده است و با دقت انتخاب شده تا از تلاشش برای کشاندن ایالات متحده به جنگ پشتیبانی کند. به این کار، انتشار گزینشی اطلاعات می‌گویند. آمریکایی‌ها باید این مفهوم را درک کنند، زیرا ۲۲ سال پیش، آنها به طور مشابه هدف استفاده مغرضانه از انتشار اطلاعات برای توجیه حمله به عراق قرار گرفتند، رویدادی که من در جای دیگری به تفصیل شرح داده‌ام. اظهارات اخیر راتکلیف و گابارد که با هدف تأیید ادعاهای ترامپ در مورد «نابودی» تأسیسات هسته‌ای ایران انجام شده است، نمونه دیگری از انتشار گزینشی اطلاعات است. این اظهارات، ارزیابی نیستند. برای مثال، وقتی راتکلیف به «اطلاعات جدید» استناد می‌کند و می‌گوید «چندین تأسیسات هسته‌ای کلیدی ایران نابود شده‌اند و سال‌ها طول می‌کشد تا بازسازی شوند»، این گفته هیچ چیزی در مورد آنچه نابود نشده و پتانسیل بازسازی کل برنامه هسته‌ای ایران، نمی‌گوید.

ترامپ پیش از این، هدفش دستیابی به توافقی با ایران بود که می‌توانست آن را به عنوان «توافق بهتری» از آنچه باراک اوباما به دست آورده بود، تبلیغ کند. اما اکنون که نتانیا‌هو او را به جنگ با ایران کشانده است، ترامپ می‌گوید: «برای من مهم نیست که توافقی داشته باشم یا نه.» او نمی‌تواند شواهد مربوط به قابلیت‌های هسته‌ای مداوم ایران و ارزیابی‌های اطلاعاتی ایالات متحده در این مورد را نادیده بگیرد. ترامپ برای مقابله با این قابلیت‌ها تحت فشار خواهد بود و در پایبندی به پیش‌بینی خود مبنی بر اینکه نگران حملات بیشتر به ایران نخواهد بود، مشکل خواهد داشت. این فشار به ویژه از سوی دولت اسرائیل وارد خواهد شد که هدفش برای دخالت نظامی ایالات متحده علیه ایران ادامه یافت و وزیر دفاع آن، از «سیاست اجرایی» شامل حملات بیشتر علیه ایران صحبت می‌کند.

در همین حال، وظیفه نظارت اطلاعاتی بر آنچه از برنامه هسته‌ای ایران باقی مانده است، دشوارتر از همیشه خواهد بود. هیچ جایگزینی برای نظارت در محل توسط بازرسان بین‌المللی، به ویژه از نوع سرزده‌ای که در توافق جامعی که ایران در سال ۲۰۱۵ امضا کرد و ترامپ سه سال بعد آن را کنار گذاشت و پیش‌بینی شده است، وجود ندارد. ایران که از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به دلیل عدم محکومیت رسمی حملات اسرائیل و آمریکا خشمگین است و این آژانس را به ارائه اطلاعاتی به اسرائیل که حملات و تروورهای اسرائیل را تسهیل کرده، مظنون می‌داند، عجله‌ای برای بازگرداندن دسترسی بازرسان ندارد.

ترجمه: آریا صدیقی



الدار ممدوف

تحلیلگر ارشد اندیشکده کوئینسی

سیاست خارجی واشنگتن تمایل خطرناکی به تجزیه کشورهایی دارد که آنها را دشمن خود می‌داند. اکنون، اندیشکده‌های نومحافظه‌کار مانند بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) مستقر در واشنگتن و همفکران آنها در پارلمان اروپا آشکارا در حال ترویج بالکانیزه کردن ایران هستند. یک استراتژی بی‌پروا که خاورمیانه را بیشتر بی‌ثبات می‌کند، بحران‌های فاجعه‌بار انسانی را ایجاد می‌کند و مقاومت شدیدی را از سوی ایرانیان و شرکای ایالات متحده برمی‌انگیزد.

درحالی‌که اسرائیل و ایران در اواسط ژوئن ضرباتی را رد و بدل می‌کردند، برندا شفر از FDD استدلال کرد که ترکیب چند قومیتی ایران یک آسیب‌پذیری است که باید مورد سوءاستفاده قرار گیرد. شفر در رسانه‌های جریان اصلی ایالات متحده، مدافع صریح جمهوری آذربایجان بوده است، و همواره از افشای روابط خود با شرکت نفت دولتی آذربایجان، SOCAR، خودداری کرده است. سال‌هاست که او برای تجزیه ایران بر اساس گسل‌های قومی، شبیه به فروپاشی یوگسلاوی سابق، تلاش کرده است. او بخش عمده‌ای از این تلاش را بر ترویج جدایی آذربایجان ایران، جایی که آذری‌ها بزرگ‌ترین گروه غیرفارسی ایران را تشکیل می‌دهند، متمرکز کرده است. دیدگاه‌های شفر با سرمقاله اخیر جروزالم‌پست همسو است که در بجنوبه سرخوشی از حملات اولیه اسرائیل در جنگ این ماه علیه ایران، از ترامپ خواست تا آشکارا از ایده تجزیه ایران دفاع کند. به‌طور خاص، این سرمقاله خواستار «ائتلافی در خاورمیانه برای تجزیه ایران» و «تضمین‌های امنیتی به مناطق اقلیت سنی، کرد و بلوچ که مایل به جدایی هستند» شد. همین رسانه رسماً از اسرائیل و ایالات متحده خواسته است تا از جدایی آنچه «آذربایجان جنوبی» (به معنای مناطق با اکثریت آذری در شمال غربی ایران) می‌نامد، از ایران حمایت کنند.

در همین حال، سخنگوی امور خارج‌جی یک گروه لیبرال میانه‌رو در پارلمان اروپا جلسه‌ای را در مورد «آینده ایران» تشکیل داد، ظاهر برای بحث در مورد چشم‌اندازهای یک شورش «موفق» علیه جمهوری اسلامی. این واقعیت که تنها دوسختران ایرانی این مراسم از جدایی طلبان قومی از مناطق آذربایجان واهواز ایران بودند، دستور کار این جلسه را روشن کرد. از زمانی که پارلمان اروپا در سال ۲۰۲۲ به طور یکجانبه تمام روابط خود را با نهادهای رسمی ایران قطع کرد، این کشور به زمین بازی گروه‌های مختلف اپوزیسیون رادیکال تبعیدی، مانند سلطنت طلبان، فرقه مجاهدین خلق و جدایی طلبان قومی تبدیل شده است. با این حال، ایران یک کشور شکننده و چندتکه در آستانه فروپاشی نیست. این کشور یک ملت ۹۰ میلیونی با حس عمیقی از هویت تاریخی و فرهنگی است. درحالی‌که طرفداران بالکانیزاسیون دوست دارند بر تنوع قومی ایران – آذری‌ها، کردها، بلوچ‌ها، اعراب – تمرکز کنند، اما پیوسته نیروی متحدکننده ناسیونالیسم ایرانی را دست کم می‌گیرند. همانطور که شروین ملک‌زاده اخیراً در لس‌آنجلس تایمز خاطرنشان کرده، «یک اجماع قوی بین محققان وجود دارد که سیاست در ایران با ایده ایران به عنوان مردمی با تاریخ پیوسته و ناگسستنی آغاز می‌شود؛ ملتی که از گذشته‌ای بسیار دور سر بر می‌آورد. ملی‌گرایی عرصه سیاسی گسترده‌ای را فراهم می‌کند که در آن گروه‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف در ایران برای قدرت و اقتدار، چه سلطنت طلب، چه اسلام‌گرا یا چپ‌گرا، رقابت می‌کنند.» دهه‌ها فشار خارجی، از تحریم‌ها گرفته تا عملیات مخفی و جنگ، تنها این انسجام را تقویت کرده است. این ایده که تحریک احساسات جدایی طلبانه باعث فروپاشی ایران خواهد شد، یک خیال‌پردازی خطرناک است. خیالی که عمداً نادیده می‌گیرد که چگونه طرح‌های طراحی شده، عمدتاً توسط نومحافظه‌کاران طرفدار اسرائیل، در عراق و سوریه نتیجه معکوس داده و هرج و مرج را به دنبال داشته است.

چنین استراتژی‌ای همچنین چهل عمیق طرفداران این ایده را از واقعیت‌های میدانی آشکار می‌کند. شفر، قهرمان الحاق‌گرایی آذربایجان، تا آنجا پیش رفته است که از حملات هوایی اسرائیل به تبریز، که قلب فرهنگی و اقتصادی آذربایجان ایران است، حمایت می‌کند. این

نگاه تحلیلیگر / ۲

سراب تجزیه ایران

تبلیغ خطرناک ایده تجزیه ایران، اروپا و آمریکا را به گل خواهد نشاند

رویکرد نه‌تنها از نظر اخلاقی عجیب و غریب است؛ بلکه مبتنی بر سوءتفاهم عمیقی از دینامیک‌های داخلی ایران است. شفر و امثال او انتظار دارند که فشار خارجی بر تهران منجر به قیام آذری‌ها (و سایر اقلیت‌ها) علیه تهران شود. در عوض، مانند بقیه ایران، حمله اخیر اسرائیل باعث ایجاد اتحاد زیر پرچم شد، زیرا آذربایجانی‌های ایران عمیقاً در بافت ملی ادغام شده‌اند: هم بالاترین مقامات کشور – آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر معظم و هم مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور – از قومیت آذری هستند.

یک ماه پیش، در خیابان‌های تبریز، شهری غرق در تاریخ و هویت ایرانی، قدم می‌زدم. تبریز به دور از هرگونه جدایی طلبی، گواهی زنده بر وحدت پایدار ایران است. موزه آذربایجان با افتخار آثار باستانی هزاره‌های تمدن ایرانی را به نمایش می‌گذارد، در حالی که خانه مشروطه نقش محوری تبریز را در انقلاب مشروطه ایران در سال ۱۹۰۶ گرمای می‌دارد؛ جنبشی که ناسیونالیسم مدرن ایرانی را شکل داد و همچنان الهام‌بخش نیروهای دموکراتیک و جامعه مدنی در سراسر کشور است. این ایده که تبریز – یا هر شهر بزرگ با اکثریت آذری در ایران – به دستور واشنگتن یا تل‌آویو دست به شورش بزند، یک خیال‌واهی است. آذربایجانی‌های ایران در ایران رشد کرده‌اند. اکثر فعالان منتقد آذری در ایران خواسته‌های خود را در قالب حقوق فرهنگی مطرح می‌کنند، نه استقلال طلبی. مسلماً، ناراضیاتی‌های محلی ممکن است در مناطق کردنشین و بلوچ، به‌ویژه در مناطق دورافتاده، فقیر و سنی‌نشین، بیشتر باشد. اما حتی در اینجا نیز هیچ مدرکی دال بر حمایت قوی مردم از جدایی طلبی وجود ندارد. علاوه بر این، تلاش برای بهره‌برداری از هرگونه ناراضیاتی ممکن است ایالات متحده را در مسیر بر خورد با متحدان و شرکای خود در منطقه قرار دهد.

ترکیه، متحد کلیدی ناتو، با توجه به دهه‌ها مبارزه خود با حزب کارگران کردستان (PKK)، هرگز حمایت ایالات متحده از جدایی طلبی کردها در ایران را تحمل نخواهد کرد. پژاک (حزب حیات آزاد کردستان) وابسته به PKK در ایران، از حملات اسرائیل به ایران استقبال کرده است. به همین ترتیب، پاکستان که از قبل با شورش بلوچ‌های خود روبه‌رو بوده است، دخالت غرب در بلوچستان ایران را تهدیدی مستقیم برای تمامیت ارضی خود خواهد دید. بیگانه کردن این متحدان با دنبال کردن یک بازی تغییر رژیم ناکارآمد، یک سوءرفتار در سیاست خارجی خواهد بود.

روسیه و چین مدت‌هاست استدلال می‌کنند که واشنگتن تجزیه دشمنان خود – از یوگسلاوی گرفته تا عراق – است. هرگونه تلاش برای بالکانیزه کردن ایران، بدترین سوءتفاهم‌های چین و روسیه را تأیید می‌کند، سرکوب داخلی علیه اقلیت‌ها را تشدید می‌کند و تلاش‌های چین و روسیه را برای ایجاد یک ائتلاف ضد غربی تسریع می‌کند. هند، به عنوان کشوری که مشتاقانه به عنوان متحد واشنگتن از آن استقبال می‌شود، به طور مشابه چنین سیاست‌هایی را رد خواهد کرد زیرا پروژه‌های استراتژیک تجاری و لجستیکی دهلی‌نو، مانند توسعه بندر چابهار در ایران، نقطه ورود هند به افغانستان و آسیای مرکزی که پاکستان را دور می‌زند، تضعیف می‌کند.

اگر واشنگتن و حامیان اروپایی آن برای تجزیه ایران تلاش کنند، عواقب آن به شدت در اروپا نیز احساس خواهد شد. یک ایران بی‌ثبات، بحران مهاجرتی را به وجود خواهد آورد که موج پناهندگان سوری در سال ۲۰۱۵ در برابرش هیچ خواهد بود. همچنین ممکن است زمینه مساعدی برای فعالیت گروه‌های تروریستی – از جمله داعش – ایجاد کند. یکی از شاخه‌های داعش به نام داعش خراسان، پیش از این در ایران فعال بوده است و در بمب‌گذاری‌های انتحاری سال گذشته در کرمان نقش داشته است. اگر ایران اقدام به مسدود کردن تنگه هرمز کند، شوک‌های اجتناب‌ناپذیر انرژی را نیز به آن اضافه کند و اروپا با فاجعه‌ای خودساخته روبه‌رو خواهد شد. معماران این رویکرد – تندرهای FDD و هم‌تایان اروپایی و اسرائیلی آنها – با آتش بازی می‌کنند. تلاش‌ها برای تجزیه ایران به طرز چشمگیری نتیجه معکوس خواهد داد و هرج و مرجی را به راه خواهد انداخت که بسیار فراتر از مرزهای آن گسترش خواهد یافت. غرب به جای غرق شدن در خیال‌پردازی‌های تجزیه طلبانه، باید تعامل عمل‌گرایانه را دنبال کند. در غیر این صورت با یک جنگ بی‌پایان دیگر مواجه خواهد شد؛ جنگی که نه آمریکا و نه اروپا توان تحمل آن را ندارند.

سیاستمداران



شرط پاکستان برای اسرائیل

در واکنش به فشارهای بین‌المللی برای پیوستن به قطار سازش با رژیم صهیونیستی، وزیر دفاع پاکستان موضعی صریح اتخاذ و تأکید کرد که اسلام‌آباد تنها در صورت تحقق حق ملت فلسطین برای تشکیل کشوری مستقل به پایتختی قدس، امکان بررسی این توافق را در نظر خواهد گرفت. «خواجه محمدآصف» وزیر دفاع پاکستان اعلام کرد که در صورت وارد آمدن فشارهایی بر اسلام‌آباد برای پیوستن به توافقات عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی موسوم به «توافقات ابراهیم»، این کشور تصمیمات خود را بر اساس منافع ملی اتخاذ خواهد کرد. طبق گزارش خبرگزاری معا، خواجه آصف در سخنانی با تأکید بر موضع اصولی دولت پاکستان در این زمینه، اظهار داشت: اگر فشارهایی در این زمینه اعمال شود، ما آن را بررسی خواهیم کرد، اما شرط ما برای هرگونه به رسمیت شناختن اسرائیل، تشکیل یک کشور مستقل فلسطینی با پایتختی قدس است. وی همچنین با اشاره به اینکه مشورت‌ها در این باره در جریان است، افزود: ما بخشی از هیچ سیاست آمریکایی که به منافع پاکستان لطمه بزند نخواهیم بود.



احتمال نامزدی مجدد اردوغان

به گفته مشاور ارشد رئیس‌جمهور ترکیه، اردوغان ممکن است در سال ۲۰۲۷ بدون نیاز به اصلاح قانون، برای انتخابات مجدد نامزد شود. «مهمت اوجوم» مشاور ارشد «رجب طیب اردوغان» رئیس‌جمهور ترکیه و معاون شورای سیاست‌گذاری حقوقی ریاست جمهوری، روز چهارشنبه گفت اردوغان می‌تواند در اواخر سال ۲۰۲۷ بدون هیچ‌گونه اصلاح قانون اساسی، به عنوان نامزد ریاست‌جمهوری معرفی شود. پیشتر هم «ایلماز تونچ» وزیر دادگستری ترکیه گفت که اردوغان ممکن است در صورت رأی پارلمان به برگزاری انتخابات زودهنگام، برای سومین دوره نامزد شود. برای فراخوانی انتخابات، دست کم به ۳۶۰ رأی نیاز است. حزب مخالف جمهوری خواه خلق (CHP) دارای ۱۲۷ کرسی است، در حالی که ائتلاف حاکم ترکیه شامل حزب عدالت و توسعه اردوغان موسوم به آک‌پارتی و حزب حرکت ملی‌گرا ۳۱۵ کرسی دارد.



اعتراض عراق به اسرائیل

رئیس‌جمهور عراق نقض حریم هوایی این کشور در طول جنگ ایران و رژیم صهیونیستی را محکوم کرد. «عبداللطیف جمال رشید» رئیس‌جمهور عراق در مصاحبه با روزنامه آل موندو اسپانیا گفت: موضع ما در عراق کاملاً روشن است: ما در کنار آرمان فلسطین ایستاده‌ایم. آنچه آنها در جنگ متحمل شده‌اند، اقدامات جنایتکارانه علیه غیرنظامیان، به‌ویژه کودکان و زنان است.» وی گفت: ما نقض حریم هوایی عراق در طول جنگ اخیر را محکوم می‌کنیم. ما می‌خواستیم تجهیزات را برای حفاظت از حریم هوایی خود خریداری کنیم اما تسلط دیکتاتوری طولانی مدت بر عراق بر این امر تأثیر گذاشت. نیروهای ائتلاف موظف بودند اقداماتی را برای حفاظت از حریم هوایی انجام دهند. وی گفت: سیاست دولت روشن است: سلاح‌ها باید از طریق نیروهای امنیتی رسمی مختلف در دست دولت باشند. جمال رشید گفت: حضور نیروهای ائتلاف بین‌المللی بر اساس توافقات بین آنها و دولت عراق است و ادامه حضور با خروج آنها منوط به مذاکرات خوب و پیشرفته بین دولت و این نیروها است.